

به نام خداوند جان و خرد

دادستان محترم عمومی و انقلاب تهران

باسلام

موضوع: اعلام جرم، شکایت و تقاضای پیگرد قضایی و برخورد قانونی با آقایان:

1. سیدعلی حسینی خامنه ای فرزند سیدجواد - رهبر نظام جمهوری اسلامی
2. حسن روحانی (فریدون) فرزند اسدالله - رئیس دولت دوازدهم
3. سعید نمکی فرزند عباس - وزیر سابق بهداشت
4. محمد جعفر منتظری فرزند علی - دادستان کل کشور
5. حسین اشتری اصفهانی فرزند مرتضی - فرمانده نیروی انتظامی
6. محمد حسین باقری (افشردی) فرزند مجید - رئیس ستاد کل نیروهای مسلح
7. عبدالرضا رحمانی فضلی فرزند یداله - وزیر سابق کشور
8. محمد اسلامی ورنامخواستی فرزند رجب - وزیر سابق راه و شهرسازی
9. محسن حاجی میرزایی فرزند؟ - وزیر سابق آموزش و پرورش
10. منصور غلامی فرزند محمدرضا - وزیر سابق علوم، تحقیقات و فن آوری
11. علی اصغر مونسان فرزند؟ - وزیر سابق میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
12. سید عباس صالحی فرزند سید میرزا حسن - وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی
13. محمد باقر نوبخت حقیقی فرزند مرتضی - رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه
14. عبدالعلی علی عسگری فرزند؟ رئیس سابق سازمان صدا و سیما
15. سید امیر حسین قاضی زاده هاشمی فرزند سیدحسن - نایب رئیس سابق مجلس شورای اسلامی
16. علیرضا رشیدیان فرزند؟ - رئیس سازمان حج و زیارت
17. علی ربیعی فرزند؟ - سخنگوی سابق دولت
18. علیرضا اعرافی فرزند محمد ابراهیم - عضو فقهای شورای نگهبان. (اعضای وقت ستاد ملی مبارزه با کرونا)

و القاصی مهر دادستان سابق تهران

به اتهام:

1. تسبیب در قتل غیر عمد بیش از یکصد هزار نفر از هموطنان عزیز
2. سوءاستفاده از مقام و قدرت و عدم اجرای قوانین مملکتی
3. گزارش خلاف واقع به مردم و نشر اکاذیب

از طریق:

- تسامح ، غفلت ، قصور ، تقصیر ، عدم شفافیت و پنهانکاری در روند مدیریت مقابله با مخاطرات بیولوژیک و خصوصا ویروس کرونا

- عدم انجام وظایف قانونی و بی توجهی به قانون از سال های گذشته تاکنون

- اهمال در پیشگیری از همه گیر شدن ویروس ، نادیده انگاری و ساده انگاری پدیده ی چند بعدی و پیچیده ی کرونا و خودداری از قرنطینه بهنگام

- بی توجهی محض به نظرات کارشناسان خبره و بویژه متخصصین اپیدمیولوژی و تجربه های جهانی و اقدامات ناکافی و نمایشی و اجرای ناقص طرح های کارشناسی نشده بدلیل نداشتن مهارت های لازم و به هدر دادن بودجه ی عمومی

- صدور دستورهای غیرمسئولانه و ارزیابی های شتابزده و غلط درباره ی میزان خطر ویروس

- سهل انگاری ، تاخیر و تعلل خسارت بار و تحمیل خواسته ی شخصی برمنافع عمومی در خصوص تهیه ی بموقع واکسن و سرگردانی مردم بی پناه و تبعیت محوری محض از نظرات اشتباه ولی فقیه

- گزارش های خلاف واقع ، گمراه کننده و دروغین به مردم خصوصا در ارتباط با تولیدات داخلی واکسن و نشر اکاذیب و ارائه ی اطلاعات غلط - بی مبالاتی و عدم رعایت نظامات و قوانین مرتبط با بهداشت و سلامت مردم و اخلال در سلامت جامعه

و درخصوص القاصی مهر دادستان وقت تهران بعلت ترك فعل و عدم اقدام قانونی و نظارتی بر عملکرد مسوولان و عدم تعقیب نامبردگان - بی اعتنایی نسبت به حفظ حقوق عمومی و عدم انجام تکالیف قضایی مندرج در قانون آیین دادرسی کیفری و تضییع حقوق اساسی ملت

احتراما؛

همانگونه که آگاهی دارید ؛ شیوع ویروس کرونا و پیامدهای وضعی و تبعی آن، حیات و کلیه ابعاد زندگی مردم دنیا را تحت الشعاع خود قرار داده است . مرگ ، بی سرپرستی کودکان ، بیماری های روانی و ریوی ، اختلال در روابط اجتماعی و عاطفی، فشارهای وارده بر کادر سلامت ، فقیر شدن و تقلیل درآمد خانوارها ، بی کاری و افزایش خشونت های خانگی از جمله بخشی از این خسارتهای است.

در حالیکه بسیاری از ملت های دیگر جهان با حضور مسوولانه ی رهبران و مدیران خود و با بهره مندی از پیشرفت های علم پزشکی و تکنولوژی های روز دنیا به مبارزه ی موثر ، همه جانبه و سریع با ابعاد گوناگون این بحران مشغول بودند ارکان مختلف حاکمیت درایران به شرحی که در ادامه می آید ابتدا با کتمان وجود بیماران آلوده به ویروس در شهر قم و نمایش عادی سازی وضعیت بغرنج پیش رو خصوصا از طریق رسانه ی صدا و سیما با انگیزه ی حضور بیشتر مردم در راهپیمایی 22 بهمن و انتخابات مجلس ، جامعه را فریب دادند و سپس مردم را بی پشت و پناه رها و با سردرگمی و خودرایی ، هموطنان را برای تزریق واکسن سرگردان و بعضا آواره نمودند.

آقایان نامبرده با شعار و گفتاردرمانی ، در موقعیتی جامعه را سرگرم و خود را مشغول مبارزه ی جدی با ویروس نشان می دادند که با ترک وظایف قانونی ، تاخیرهای فراوان ، بی مبالاتی های بسیار ، سیاستگزاری های هیجانی ، تخریب ساختار نظام سیاستگزاری بحران در کشور و بالاخره عدم ایفای مسوولیت هایی که در قبال مردم دارند ، مسبب کشته شدن بیش از یکصد هزار نفر و داغدار شدن میلیونها نفر از هموطنان عزیزمان گردیدند.

ما در 6 بخش ذیل به برخی از رفتارهای مجرمانه ی مسوولان ارشد نظام جمهوری اسلامی اشاره می نماییم:

1- تعدد مراجع تصمیم گیر و بی مبالاتی های فراوان

2- عدم انطباق تشکیل ستاد کرونا با قوانین و مقررات و ایجاد سردرگمی و اهمال در قرنطینه بهنگام

- 3- مبانی و جهات مسئولیت جزایی آقای سیدعلی خامنه ای
- 4- مبانی و جهات مسئولیت جزایی آقای حسن روحانی
- 5- مبانی و جهات مسئولیت جزایی اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا
- 6- بی‌مبالاتی مسئولان نظام در ارتباط با تأمین و واردات واکسن های کرونا

بخش اول - تعدد مراجع تصمیم گیر موجب بی‌مبالاتی های فراوان بوده است

1 وجود ویروس کرونا در تاریخ 1398/11/29 به تأیید رسمی مقامات کشور رسید و تا این تاریخ بصورت کلی کتمان می شد.

2 پس از برگزاری انتخابات مجلس جلسه ای در شورای عالی امنیت ملی برگزار و مقرر می گردد تا ستاد ملی مبارزه با کرونا تشکیل و مدیریت امور مربوطه را برعهده گرفته و اختیارات این ستاد در حد شورای عالی امنیت ملی برای همگان لازم الاجرا باشد. مصوبه مورد موافقت رهبر نظام نیز قرار می گیرد.

3 آقای خامنه ای در تاریخ 1398/12/22 با صدور فرمانی خطاب به رئیس ستاد کل نیروهای مسلح، مقرر می دارد خدمات ارائه شده در زمینه کرونا در قالب یک قرارگاه بهداشتی و درمانی ارائه گردد. ایجاد چنین قرارگاهی که بنا به نظر شخص رهبر، معطوف به احتمال حمله بیولوژیکی سایر کشورها به ایران از طریق وارد ساختن و انتشار ویروس کرونا بوده، تشکیل نهادی موازی با ستاد و موجب اتلاف و هدر دادن وقت، منابع، امکانات و بودجه کشور است.

4 در رویدادی دیگر، به تاریخ 1399/8/3 رهبر در دیدار با اعضای ستاد، بر تشکیل قرارگاهی اجرایی جهت عملی نمودن مصوبات و لزوم مشارکت و همکاری حداکثری تأکید می کند. نتیجتاً رئیس جمهور وقت در تاریخ 1399/8/6 طی حکمی، وزیر کشور را به عنوان فرمانده قرارگاه عملیاتی ستاد ملی مبارزه با کرونا منصوب می نماید.

مستندات و شواهد موجود حکایت از آن دارد که مصوبات ستاد از زمان تشکیل آن تا دیدار مورخ 1399/8/3، یا اجرا نمی شده و یا به شکل غیر مطلوب و ناقص اجرا گردیده به نحوی که آقای خامنه ای با اطلاع از این امر، رهنمود می دهد که قرارگاهی عملیاتی به منظور اجرای مصوبات تشکیل گردد.

اینکه:

- کدامین مصوبات اجرا نشده و یا به شکل ناقص به مرحله اجرا در آمده و علل و عوامل آن چه بوده است؟
- آیا مجریان، دلایل عدم اجرای مصوبات را به ستاد گزارش و اعلام نموده اند یا خیر؟
- آیا ستاد موانع اجرای مصوبات را به شورای عالی امنیت ملی گزارش کرده است یا خیر؟
- آیا شورای عالی امنیت ملی موضوع را بررسی و راهکارهای رفع موانع و اشکالات مربوط را به ستاد ارائه و اعلام نموده است یا خیر؟
- و اینکه با ناقضین مصوبات ستاد برخورد قانونی صورت گرفته است یا خیر؟

اخذ پاسخ تمامی این پرسش ها مستلزم استعلام مراتب از ستاد ملی مبارزه با کرونا و دیگر مراجع ذیربط توسط مقام محترم قضائی می باشد. لکن موجب تعجب و تأسف است که ستاد ملی و رئیس جمهور و به طریق اولی، شورای عالی امنیت ملی افزون از هشت ماه پس از تشکیل ستاد و برگزاری جلسات متعدد و صدور مصوبات متنوع دریافتی اند که مصوبات ستاد اجرا نشده یا به شکل مطلوب به مرحله اجرا در نیامده و یا قابلیت اجرا به شکل مناسب را ندارد!

بخش دوم - عدم انطباق ایجاد ستاد کرونا با قوانین و مقررات و سردرگمی و اهمال در قرنطینه بهنگام

تشکیل ستاد ملی مبارزه با کرونا از سوی دولت در تاریخ 1398/12/4 حسب مصوبه شورای عالی امنیت ملی و با تأیید رهبر با قوانین و مقررات موضوعه کشور انطباق ندارد .

شیوع و همه گیری ویروس کرونا و گونه های مختلف آن در ایران در هر حال ، ذاتاً موضوعی بهداشتی و مرتبط با مقوله ی سلامت شهروندان است که امر درمان مبتلایان را ضروری می نماید. از اینرو ناگزیر از تمرکز بر قوانین و مقررات حوزه بهداشت ، درمان و سلامت هستیم اما غفلت از سایر مقررات مرتبط با موضوع کرونا را نیز جایز نمی دانیم و به همین اعتبار ، بطور مختصر به بررسی آنها خواهیم پرداخت تا بدوا در فهم و تشخیص جایگاه حقوقی و قانونی ستاد ره به خطا نرفته باشیم.

از سال 1283 خورشیدی که نخستین بار «مجلس حفظ الصحة دولتی» زیر نظر وزارت معارف تأسیس و خدمات بهداشتی و درمانی را ارائه می داد تا تصویب و اجرای «قانون تمرکز موسسات صحتی مملکتی در اداره کل صحتیه» در تاریخ 1305/11/13 که به موجب آن ، تمامی موسسات صحتی مملکتی و بلدی و صحتیه نظمییه ها و موسسه پاستور در اداره کل صحتیه متمرکز گردید و رئیس کل صحتیه تحت هدایت قانونی وزارت داخله ، کلیه امور صحتیه را بر عهده گرفته و سپس تبدیل اداره کل صحتیه به وزارت بهداری در قانون اصلاح بودجه کل کشور مصوب 1320/8/8 و متعاقباً تصویب «قانون سازمان وزارت بهداری» در تاریخ 1324/9/22 که وفق آن ، وزارت بهداری رسماً تشکیل و آغاز به کار نمود تا تصویب و اجرای «قانون تشکیل وزارت بهداری و بهزیستی» در تاریخ 1355/4/16 ، نهادهای فوق ، عهده دار و متولی تأمین بهداشت عمومی و ارائه خدمات درمانی به بیماران و حفظ سلامت شهروندان بوده اند .

جلوگیری از شیوع بیماری های مسری و اجرای تدابیر بهداشتی در ایران پیش از وقوع انقلاب اسلامی و در دوره زمامداری پهلوی اول که امکانات و تجهیزات پزشکی و درمانی و دارویی آن اساساً قابل مقایسه با روزگار فعلی نبوده ، در خور توجه است.

در نظامنامه ی مورخ 1309/6/26 اظهار امراض مسریه ، چنین پیش بینی شده بود که « یک سلسله امراض هستند که مسری و قابل انتقال از شخصی به شخص دیگر می باشد که اگر از سرایت آنها جلوگیری نشود ممکن است دایره سرایت توسعه یافته ، یک محله یا یک شهر یا ایالت و یا مملکتی را فرا گیرد . حفظ و صیانت اهالی از سرایت امراض مذکوره مخصوصاً از نقطه نظر اجتماعی دقیقاً مربوط به این است که مأمورین صحتی از اولین مبتلایان به امراض مسریه یا مظنونین به امراض مذکوره سریعاً و به موقع اطلاع یافته و درصدد جلوگیری و اجرای شرایط صحتی برآیند . اطلاعات منظوره هم موقوف به تشخیص طبیب و اظهار داشتن آن است...» . در ماده 1 نظامنامه ، کلیه اطباء و قابله ها مکلف شده بودند در موقع مشاهده یکی از امراض یازده گانه مسری مذکور در همان ماده ، فوراً بدون تأخیر و فوت وقت به طبیب صحتی محل یا طبیب صحتی بلدی یا کمیساریای پلیس محل اقامت یا به اداره نظمییه و یا به صحتیه کل اطلاع بدهند و بموجب ماده 4 مقرر شده بود در صورت شیوع و اپیدمی یکی از امراض مسریه در یک قریه یا شهر یا ناحیه و تهدید آن مناطق ، علاوه بر اطباء و مأمورین صحتی ، کلیه روسای خانواده ها یا ساکنین خانه هایی که مرض در آنجا بروز نموده و از وجود آن آگاه شوند ، مکلف هستند بدون فوت وقت ، به طبیب صحتی یا طبیب بلدی یا کمیساریای محل یا اداره نظمییه یا صحتیه کل به هر یک که دسترسی داشته باشند ، اطلاع دهند و در محلی که نظمییه یا بلدییه نیست به کدخدا یا نایب الحکومه یا رئیس تلگراف اطلاع دهند. ماده 6 سند مهم مورد اشاره نیز تصریح داشته بود : «طبیب صحتی یا طبیب بلدی مکلف است به محض وصول اطلاع به محلی که مریض در آنجا سکنی دارد رفته و بر طبق تعلیمات صحتیه کل در متفرد داشتن مریض (منظور ، قرنطینه و ایزوله کردن بیمار است) و دادن دستور به پرستاران اقدام لازم برای جلوگیری از انتشار مرض نموده و فوراً به اسرع وسایل ، بروز مرض و اقداماتی را که بعمل آورده به صحتیه کل اطلاع دهد.» .

ذکر این مواد ضرورت داشت تا مشخص شود که حتی پیش از تأسیس وزارت بهداری ، قانونگذار با درک اهمیت موضوع بیماری های واگیردار و ضرورت جلوگیری از شیوع آن بیماری ها ، قانون طرز جلوگیری از بیماری های آمیزشی و بیماری های واگیردار را در تاریخ 1320/3/11 تصویب نمود که حاکی از توجه جدی مجلس شورای ملی وقت به مقوله سلامت شهروندان کشور و ضرورت و اهمیت جلوگیری از ابتلای مردم به بیماریهای واگیردار است .

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ، وزارت بهداری منحل و وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی جایگزین آن گردید اما همچنان مسئولیت ارائه خدمات بهداشتی و درمانی به شهروندان بر عهده دولت و وزارت بهداشت می باشد که گواه بر این مطلب ، بند 12 اصل سه ، اصل 29 و بند یک اصل 43 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، ماده یک قانون تشکیلات و وظایف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مصوب 1367/3/3 ، قوانین بودجه سنواتی کل کشور و قوانین پنج ساله توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران است .

با ذکر مقدمه فوق معروض می دارد اقدام رئیس جمهور حسن روحانی به طرح موضوع ورود ویروس کرونا به ایران در شورای عالی امنیت ملی به منظور اتخاذ تصمیم شورا در مورد چگونگی مواجهه و مقابله با آن، از استنباط حقوقی نادرست دولت دوازدهم و رئیس آن راجع به جایگاه قانونی و اختیارات آن شورا نشأت می گیرد.

وظایف شورای عالی امنیت ملی وفق اصل 176 قانون اساسی، احصاء گردیده است و تجویز این شورا به تشکیل ستاد ملی مبارزه با کرونا با هیچ یک از وظایف سه گانه فوق انطباق نداشته و با وصف اهمیت امر مقابله با ویروس مذکور، کشور با موضوع دفاعی-امنیتی و یا تهدید داخلی یا خارجی به معنای اخص کلمه مواجه نبوده تا ورود و مداخله شورای عالی در باب آن موضوعیت داشته باشد. تأیید مصوبه توسط رهبر نیز به تصمیم مغایر قانون متخذه و جاهت و اعتبار نمی بخشد.

دولت و شورای عالی امنیت ملی به این موضوع توجه نداشته اند که ساز و کار مقابله با بحران همه گیری ویروس کرونا در قوانین کشور پیش بینی شده و اساساً نیازی به تشکیل نهاد جدید نبوده است.

دولت دوازدهم این امکان را داشت تا:

-براساس اصل 79 قانون اساسی، با تصویب مجلس، برای جلوگیری از شیوع بیشتر ویروس و جان باختن فزون تر شهروندان کشور، محدودیت های ضروری از نوع قرنطینه کامل در مناطق و کانون های بحرانی از حیث همه گیری، به مدت یک ماه برقرار نموده در صورت ضرورت، برای استمرار محدودیت ها از مجلس مجوز اخذ کند.

لیکن، استفاده از این ظرفیت قانونی ارزشمند مغفول واقع شد و در شرایطی که مجلس شورای اسلامی می توانست به درخواست دولت و رئیس جمهور، امکان اعمال و اجرای تمهید قانونی مورد اشاره را فراهم کند، خود حسب تصمیم ستاد، ابتدا به مدت یک ماه از تاریخ 1398/12/7 تعطیل و تعطیلی مذکور به مدت 10 روز دیگر نیز تمدید گردید اما بازگشائی مجلس نیز موجب استفاده از ظرفیت مورد اشاره نشد چرا که دولت، برقراری محدودیت های ضروری از نوع قرنطینه کامل یا محدود را از قوه مقننه درخواست ننمود تا طرح آن در مجلس موضوعیت یابد.

-اصل 127 قانون اساسی نیز به رئیس جمهور این اختیار را اعطاء نموده تا در موارد خاص و بر حسب ضرورت، با تصویب هیأت وزیران، نماینده یا نمایندگان ویژه ای تعیین نماید و تصمیمات ایشان، در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران قلمداد شده است.

در شرایطی که این امکان برای آقای روحانی وجود داشته تا برای مقابله با ویروس و ریشه کنی آن با واکسیناسیون بموقع و هوشمندانه و اجرای سایر روش های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی برای مصون سازی، نماینده یا نمایندگان ویژه ای با قابلیت های علمی، تجربی و فنی ممتاز تعیین و به کار گمارد از این ظرفیت قانونی نیز بهره نبرده است.

-اصل 138 قانون اساسی نیز به دولت اختیار داده تا تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون هایی متشکل از چند وزیر و اگذار نماید که مصوبات این کمیسیون ها در محدوده ی قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم الاجرا است.

-عدم توجه دولت دوازدهم به قانون مدیریت بحران کشور مصوب 1398/7/5 و مکانیسم های پیش بینی شده در آن نیز در شکل گیری ستاد ملی مبارزه با کرونا و تشدید وضعیت وخیم کنونی و ادامه ناکارآمدی ها و سوء مدیریت های مدیران و مسئولان ذیربط نقش و تأثیر داشته است.

قانونگذار در ماده 1 این قانون ارتقای توانمندی جامعه در امور پیش بینی و پیشگیری، پاسخ موثر در برابر بحران ها، تأمین ایمنی، تقویت تاب آوری با ایجاد مدیریت یکپارچه در امر سیاستگذاری، برنامه ریزی، ایجاد هماهنگی و انسجام در زمینه های اجرایی و پژوهشی، اطلاع رسانی متمرکز و نظارت دقیق بر فعالیت دستگاه های ذیربط در حوزه حوادث و سوانح و کمک به توسعه پایدار برای مدیریت بحران کشور را به عنوان اهداف مدنظر از وضع قانون بر شمرده است.

همه گیری ویروس کرونا در ایران و تبعات و خسارات و تلفات جانی، معنوی و مادی و... آن فی الواقع یک بحران ملی بوده و هست و پاسخ به این بحران، مستلزم به کارگیری تمامی منابع و ظرفیت های کشور بوده، که برخلاف قانون مذکور نه گزارشی در این باره از ناحیه وزیر کشور به رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی مدیریت بحران کشور منعکس گردیده و نه شورای عالی، تصمیمی در این خصوص اتخاذ نموده و نه رئیس جمهور تصمیمی

راجع به اعلام شرایط اضطراری اعلام نموده است چرا که به جای بهره مندی از ظرفیت های قانون مدیریت بحران کشور ، به غلط ستاد ملی مبارزه با کرونا جایگزین نهادهای قانونی ذیربط و صاحب صلاحیت در این فقره شده است .

نکته حائز اهمیت مرتبط با قانون اخیر الذکر این است که در بند یک از قسمت «ر» ماه 14 قانون مدیریت بحران کشور ، وزارت بهداشت موظف شده تا نسبت به ذخیره سازی دارو ، واکسن و تجهیزات پزشکی جهت درمان آسیب دیدگان از حوادث و سوانح در شرایط اضطراری اقدام کند و به موجب بند 3 همان قسمت نیز موظف گردیده به منظور پیش بینی دقیق ، هشدار به موقع و انجام اقدامات پیشگیرانه در زمینه همه گیری (اپیدمی) بیماری های انسانی ، نسبت به ایجاد مراکز پایش و هشدار با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و سازمان حفاظت محیط زیست اقدام نماید .

بنا به مقررات پیش گفته ، تشکیل ستاد ملی مبارزه با کرونا ، ایجاد نهاد موازی با نهاد قانونی متولی مقابله با ویروس محسوب می شود که موجبی برای تشکیل آن وجود نداشته و بی توجهی به مبانی حقوقی موضوع و مقررات و قوانین ناظر به مورد ، موجبات تأسیس ستاد موصوف را فراهم آورده و صدور مصوبه از ناحیه شورای عالی امنیت ملی برای تشکیل این ستاد ، مغایر قانون اساسی و خارج از حدود اختیارات آن شورا بوده . و تأیید مصوبه مغایر قانون از سوی رهبر نظام نیز نمی تواند به امر مغایر قانون ، صورت قانونی و جاهت و اعتبار بخشد .

بخش سوم - مبانی و جهات مسئولیت جزایی آقای سیدعلی خامنه ای

پیرامون نقش ولی فقیه در استمرار شرایط همه گیری ویروس کرونا و جان باختن هزاران نفر از هم وطنانمان ، ذکر مطالب ذیل حائز ضرورت و اهمیت است:

آقای خامنه ای در تاریخ 1393/1/18 سیاست های کلی «سلامت» را ابلاغ نموده که عبارتند از: ارائه خدمات بهداشتی و درمانی مبتنی بر اصول و ارزش های انسانی ،اسلامی - تحقق رویکرد سلامت همه جانبه و انسان سالم در همه قوانین و مقررات - ایجاد و تقویت زیر ساخت های مورد نیاز برای تولید فرآورده ها و مواد اولیه دارویی و واکسن - سیاست گذاری و نظارت کارآمد بر تولید ، مصرف و واردات دارو و واکسن با هدف حمایت از تولید داخلی. در این سیاستگذاری وزارت بهداشت متولی نظام سلامت کشور شناخته شده که در راستای تولید مذکور ، عهده دار سیاست گذاری های اجرایی ، برنامه ریزی های راهبردی ، ارزشیابی و نظارت خواهد بود.

وفق بند 2 اصل 110 قانون اساسی ، نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی نظام از وظایف رهبر است و ایشان مسئول و موظف به این نظارت است. رهبر موظف بوده چنانچه وزارت بهداشت ، به هر دلیلی از اجرای وظایف و مأموریت ها خودداری و یا آن وظایف و سیاست ها را به شکل مطلوب اجرا ننماید ، مراتب را به آنان تذکر داده و عنداللزوم تصمیمات لازم را جهت اجرای بی کم و کاست و مطلوب وظایف مورد اشاره در راستای حفظ سلامت مردم، اتخاذ و اعلام نمایند .

این در حالی است که مواضع اتخاذی آقای خامنه ای پیرامون کرونا و موضوعات مرتبط با آن در سخنرانی های ایشان مثبت این است که رهبر نظام به وظایف قانونی خود در امر نظارت بر نحوه مواجهه با همه گیری ویروس کرونا و محافظت از جان و حیات شهروندان کشور در برابر این ویروس ، عمل ننموده و یکی از مسببین اصلی جان باختن این تعداد از هم وطنانمان به دلیل ویروس و بیماری مذکور به حساب می آید:

1) رهبر نظام در تاریخ 1398/12/4 (روز پس از برگزاری انتخابات مجلس شورای اسلامی) در جلسه درس خارج فقه راجع به شیوع ویروس کرونا اظهار می دارند : «... حالا آخری هم این بیماری که این هم شد یک بهانه خوبی . شب پنجشنبه که جمعه اش انتخابات بود ، خبر بروز این ویروس و این بیماری در قم مثلاً داده شد ، [دشمن] از سحر پنجشنبه شروع کرد تبلیغات کردن که مردم میداد بروید در صف انتخابات بایستید ، در صف رأی دادن بایستید ، آنجا چنین است ، چنان است ، بیماری هست ، مرض هست ، ویروس هست ، ببینید ! یعنی از کمترین فرصتی استفاده کردند...» .

2) ایشان در تاریخ 1398/12/8 در دیدار با آقای دکتر سید علیرضا مرندی و جمعی از پزشکان حاضر ضمن قدردانی از زحمات کادر درمانی ، بیان می دارند : «...امیدواریم که ان شاء الله این کار برجسته و سنگین خیلی هم طولانی نشود و ان شاء الله زودتر کلک این ویروس منحوس گرفته بشود...» .

این عبارات ، موید جدی بودن شیوع ویروس کرونا در آن مقطع است و گرنه دلیلی نداشت ایشان کار پزشکان و کادر درمان را سنگین عنوان کند . این اظهارات را مقایسه بفرمائید با اظهارات ایشان در تاریخ 1398/12/4 که به وضوح حاکی از اهمیت قائل نشدن به شیوع ویروس کرونا در شهر قم بوده است .

3) در تاریخ 1398/12/13 پس از غرس دو اصله نهال به مناسبت روز درختکاری ، بیان می دارد : «... البته این بلا آنچنان بزرگ نیست و بزرگ تر از آن نیز وجود داشته است اما بنده به دعای برخاسته از دل پاک و صاف جوانان و افراد پرهیزگار برای دفع بلاهای بزرگ بسیار امیدوارم ، چرا که توسل به درگاه خداوند و طلب شفاعت از نبی مکرم اسلام و ائمه بزرگوار می تواند بسیاری از مشکلات را بر طرف کند ... مسئولان ما از روز اول با صفا ، صداقت و شفافیت خبر رسانی کردند و مردم را در جریان قرار دادند اما برخی کشورهای دیگر که این بیماری در آنها شدیدتر و همه گیر تر است ، پنهان کاری می کنند ... البته من نمی خواهم مسأله را خیلی کوچک فرض کنم اما آن را خیلی بزرگ هم نکنیم ، این مسأله مدتی نه چندان طولانی برای کشور وجود خواهد داشت و سپس رخت بر می بندد...» .

پرسش و تأمل مهم این است که رهبر نظام به پشتوانه ی کدامین یافته ها و مستندات و شواهد علمی ، بحران و مخاطره بزرگی همچون کرونا را چندان بزرگ تلقی ننموده و پیش بینی کردند که این مسأله در کشور چندان به طول نخواهد انجامید و رخت بر خواهد بست ؟

به راستی ، برای مقابله با ویروس کرونا و ریشه کن ساختن آن و نجات مردم از خطر مرگ ، دعا و توسل به خداوند و ائمه و طلب شفاعت از پیامبر (ص) و توصیه به خواندن دعای هفتم صحیفه سجادیه چه تأثیری در مقایسه با بکارگیری روش های علمی و رعایت شیوه نامه های بهداشتی و از همه مهم تر ، واکسیناسیون عمومی دارد ؟.

4) آقای خامنه ای در تاریخ 1398/12/22 طی فرمانی خطاب به رئیس ستاد کل نیروهای مسلح که پیش از این نیز بدان اشاره شد ضمن دستور تشکیل قرارگاه مقابله با کرونا در آن ستاد می گوید: «... این اقدام با توجه به قرآنی که احتمال حمله بیولوژیکی بودن این رویداد را مطرح کرده می تواند جنبه رزمایش دفاع بیولوژیک نیز داشته و بر اقتدار و توان ملی بیفزاید...» .

پرسش مهم و جدی این است که عالی ترین مقام نظام بر پایه ی کدامین قرائن و دلایل مطرح شده از سوی مسئولان اجرائی یا فرماندهان نظامی کشور ، احتمال می دهد که ورود این ویروس به کشور یک حمله بیولوژیکی باشد ؟.

5) رهبر نظام به تاریخ 1399/1/1 در پیام نوروزی ، ضمن عرض تسلیت و تبریک به خانواده های شهدای سلامت ، بیان می دارد که معتقد است همه حوادث ان شاء الله به نفع ملت ایران تمام خواهد شد . ایشان فداکاری ها در قضیه کرونا را به قدری چشمگیر توصیف می کند که افراد خارج از کشور را به تحسین واداشته است .

این تعبیر به کار رفته در پیام نوروزی آقای خامنه ای نشانگر این واقعیت است که ایشان تا آن زمان هنوز به ابعاد جدی ویروس و بیماری موصوف پی نبرده و هیچ دستور یا توصیه ای در باب نحوه ی مقابله با کرونا صادر و ارائه نمی کند که حاکی از ساده انگاری این بحران جهانی و ملی است .

6) آقای سیدعلی خامنه ای در تاریخ 1399/10/19 در سخنانی تلویزیونی ، در زمانی که کشور در اوج همه گیری کرونا قرار داشته و دهها هزار تن از هم وطنان به دلیل ابتلا ، جان باخته اند با تشکر از وزارت بهداشت و دست اندرکاران تولید واکسن آزمایش شده برای مقابله با کرونا ، این واکسن را مایه افتخار و عزت کشور دانسته و اظهار می دارد :

«... ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است . آمریکایی ها اگر توانسته بودند واکسن تولید کنند این افتضاح کرونایی در کشورشان به وجود نمی آمد که در یک روز حدود چهار هزار نفر تلفات داشته باشند . ضمن اینکه اساساً به آنها اعتمادی نیست و گاهی این واکسن ها برای آزمایش بر روی ملت ها است . البته با سابقه ای که فرانسوی ها در قضیه خون های آلوده دارند ، به آنها هم خوشبین نیستم اما تهیه واکسن از کشورهای دیگر هیچ مشکلی ندارد...» .

در شرایطی که بشریت به لحاظ پاندمی ویروس کرونا با بحرانی جدی مواجه گردید و تلفات انسانی ناشی از آن لحظه به لحظه افزایش می یافت ، دانشمندان ، مطالعه و تحقیق برای کشف واکسن این بیماری را آغاز نمودند تا اینکه تلاش های محققین و ویروس شناسان به بار نشست و سازمان بهداشت جهانی در تاریخ یکم ژانویه 2021 میلادی (1399/10/12) رسماً اعلام نمود که می توان از واکسن کرونای فایزر- بیونتک به صورت اضطراری استفاده کرد

و ضمن تأیید واکسن مورد اشاره ، به کشورها توصیه نمود که روند اعطای مجوز و دریافت واکسن را برای استفاده اضطراری تسریع کنند .

این درحالیست که یک هفته پس از تأیید از سوی سازمان بهداشت جهانی ، آقای خامنه ای واردات واکسن های آمریکایی و بریتانیایی به ایران را ممنوع اعلام و با تمسخر دولتمردان آمریکا به لحاظ آمار تلفات انسانی کرونا در آن کشور ، در تولید واکسن توسط آمریکا نیز تشکیک نموده و آن را زیر سؤال برده و اعلام می دارد که به کشورهای مورد نظر اعتمادی نیست و گاهی این واکسن ها برای آزمایش بر روی مردم کشورهای دیگر مورد استفاده قرار می گیرند .

بدین ترتیب اختلاف و نزاع سیاسی میان رهبر جمهوری اسلامی و آمریکا توأم با فرمان حکومتی ناصواب ، غیر مدبرانه و غیر موجه مشارالیه دایر بر ممنوعیت خرید و واردات اثر بخش ترین واکسن های ساخته شده در دنیا موجب گردید تا حق حیات و حق سلامت شهروندان کشور به عنوان حقوق بنیادین بشری ، با مخاطره ی جدی مواجه شده و دهها هزار نفر از هم وطنانمان جان خود را بر اثر ترک فعل آشکار عالی ترین مقام نظام و اهمال ایشان در ایفای وظایف قانونی محوله، از دست بدهند .

(7) آقای خامنه ای در پیام نوروزی سال 1400 خطاب به مردم ایران ، درباره موضوع کرونا بیان می دارد :

«... سال 99 با حوادث گوناگون و بعضاً بی سابقه ای پایان یافت . یکی از آن حوادث که حَقاً بی سابقه و ناآشنا بود برای ملت ما ، پدیده کرونا بود که تقریباً زندگی همه ملت را به نحوی تحت تأثیر قرار داد ... البته از همه اینها تلخ تر جان باختن ده ها هزار از مردم عزیز ما بود که این به معنای غصه دار شدن و داغدار شدن ده ها هزار خانواده است ... سال 99 همچنین از جهتی سال بروز توانائی های ملت ایران بود ؛ هم در مقابله با همین آزمون بزرگ یعنی کرونا که انصافاً ملت عزیز ما از مجموعه های درمانی و بهداشتی گرفته تا محققین و دانشمندان تا آحاد مردم تا گروه های جهادی و خدمتگزار ، توانائی بزرگی را از خودشان نشان دادند برای مدیریت این حادثه تلخ ، آن هم با فشار حداکثری دشمن در زمان تحریم ؛ با وجود تحریم ، بسته بودن راه های گوناگون برای استفاده از امکانات خارج از کشور ، ملت ما ، دانشمندان ما ، پزشکان ما، پرستاران ما ، بهیاران ما ، عوامل آزمایشگاهی ما و عوامل رادیولوژیستی ما ، انصافاً توانستند تجربه بزرگی را به یادگار بگذارند...» .

این پیام از حیث اعتراف آقای خامنه ای به جان باختن ده ها هزار تن از مردم ایران در اثر کرونا ، در خور توجه است اما نمی توان از یاد برد که ساده انگاری ابتدایی و دستور ولی فقیه مبنی بر ممنوعیت واردات واکسن های آمریکایی و بریتانیایی به کشور و عدم اعمال نظارت لازم و کافی بر عملکرد ستاد ملی مبارزه با کرونا و وزارت بهداشت و مدیران آن از سوی رهبر نظام ، عوامل اصلی جان باختن دهها هزار تن از هم وطنانمان بوده است و آقای خامنه ای می باید پاسخگوی اهمال ها و سوء تدبیرهای خود در این زمینه باشد .

ضمن آنکه، دلیل متقن و محکمی در اثبات این ادعا که تحریم ایران از سوی آمریکا ، مانع سفارش گذاری ، خرید و واردات واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی بوده است ، وجود ندارد و اگر تحریم ها مانع خرید و واردات واکسن بود ، نظام اساساً قادر به واردات انواع واکسن نمی بود .

(8) سرانجام اینکه آقای خامنه ای در تاریخ 1400/5/20 و در سخنانی تلویزیونی، بر خلاف مطالبی که سابق بر این مبنی بر فقدان اهمیت زیاد این بیماری بیان نموده بود ، این بار کرونا را مسأله اول و فوری کشور اعلام و اظهاراتی به این شرح عنوان می کند :

«... جان باختن بیش از 500 تن در یک روز و داغدار شدن خانواده هایشان و همچنین ابتلاء دهها هزار نفر به بیماری و مشکلات درمانی آنها حقیقتاً بسیار دردناک است و دل هر مسلمان و هم میهنی از این واقعه آتش می گیرد ، بنابراین برای مقابله با این وضع وظایفی داریم... خوشبختانه با تولید واکسن در داخل ، مسیر واردات خارجی آن نیز هموار شد در حالی که تا قبل از آن با وجود پرداخت بهای واکسن ، فروشندگان خارجی بدعهدی می کردند . واکسن چه از راه واردات و چه با تولید داخلی باید با تلاش مضاعف و به هر شکل ممکن تأمین شود و در اختیار همه مردم قرار بگیرد... تصمیم گیری در خصوص تعطیلی ، مسأله ای تخصصی و نیازمند بررسی در ستاد ملی کرونا است ، مسئولین به هر نتیجه ای رسیدند بدون ملاحظه و قاطع به آن عمل کنند...» .

میان اظهارات اخیر رهبر نظام دایر بر تجویز تأمین واکسن به هر شکل ممکن و فرمان پیشین ایشان مبنی بر ممنوعیت واردات واکسن های آمریکایی و انگلیسی به کشور هیچ تناسب و سنخیتی وجود ندارد .

دستور اخیر رهبر نظام بدون تردید ، رافع مسئولیت جزایی ایشان ناشی از ممانعت از خرید و واردات بموقع برترین واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی برای تزریق اضطراری که موجبات استمرار همه گیری ویروس کرونا در ایران و جان باختن دهها هزار تن از هم وطنانمان به دلیل ابتلاء به بیماری کووید 19 را فراهم ساخت ، نبوده و ایشان از جهت تسبیب در سلب حیات جمع کثیری از شهروندان کشور به واسطه اهمال در ایفای وظایف قانونی مربوط و ترک فعل ، ضامن هستند .

هنگامی که دست اندرکاران دولت دوازدهم - با وجود ضعف های مفرط در کنترل بحران کرونا- این امکان را داشتند تا با خرید و واردات بموقع واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی ، جان هم وطنانمان را از مرگ نجات داده و با انجام واکسیناسیون ، ایمنی لازم را برای مردم ایجاد نمایند ، آقای خامنه ای مانع واردات شد اما با روی کار آمدن دولت سیزدهم ، وعده داد که با همت دست اندرکاران ، تا چند ماه دیگر ، واکسن به بهترین وجه در اختیار مردم قرار خواهد گرفت ! این نحوه عمل و رفتار در حالی است که بنا به بند 3 اصل 109 قانون اساسی ، رهبر باید متصف به صفات تدبیر و مدیریت کافی برای رهبری باشد. ایشان در وضعیتی اتخاذ تصمیم در خصوص اعمال یا عدم اعمال تعطیلی های مقطعی را موضوعی تخصصی و محتاج بررسی و تصویب در ستاد ملی مبارزه با کرونا می داند که پیش از آن امر حیاتی واردات واکسن های تأثیر گذار برای مردم ایران را تخصصی و مستلزم تصویب و تصمیم در ستاد ندانسته و خود را شخصا مختار و مجاز به اعلام ممنوعیت واردات آن واکسن ها دانسته اند. بدیهی است چنین رفتارهای غیرمسئولانه ای بر مسئولیت و ضمان ولی فقیه در فاجعه کرونا صحه خواهد گذارد .

بخش چهارم- مبانی و جهات مسئولیت جزایی آقای حسن روحانی

بر طبق اصل 113 قانون اساسی ، رئیس جمهور پس از رهبر ، به عنوان عالی ترین مقام رسمی کشور محسوب و مسئولیت اجرای قانون اساسی بر عهده وی نهاده شده است .

تشخیص نقش و مسئولیت جزایی آقای حسن روحانی نیز مستلزم بررسی اظهارات وی و نحوه مواجهه با بحران کرونا و همه گیری آن و جان باختن دهها هزار نفر از هم وطنانمان است .

پیش از بررسی اظهارات و موضع گیری ها، ذکر مجدد این نکته را لازم می دانیم که رئیس دولت دوازدهم از همان روزهای نخستین ورود ویروس کرونا به ایران ، در تشخیص اینکه مسئول قانونی مقابله با این ویروس کدام نهاد است ، سر در گم بوده و همین سردرگمی نیز موجب اتخاذ تصمیمات مغایر قانون ، غیر مدبرانه و تأمل برانگیز از سوی وی و دولت تحت مدیریتش در این خصوص شده است .

1) آقای حسن روحانی در تاریخ 1398/12/6 در نخستین جلسه ستاد کرونا عنوان نموده است : «...بخش بهداشت ... در چند ماه پیش هم که ویروس آنفولانزا جامعه ما را تهدید می کرد به خوبی تلاش کردند و کنترل نمودند ، الان هم مطمئن هستیم این پرسنل در کوتاه ترین زمان ممکن این کنترل را انجام خواهند داد. مردم نباید نگران باشند... همه باید دقت کنند ، مراقبت های پزشکی و بهداشتی را انجام بدهند اما همه باید کار و فعالیت کنیم و این یکی از نقشه ها و توطئه های دشمنان ما است که با هراس افکنی زیاد در جامعه ، کشور را به تعطیلی بکشانند... اگر دستوراتی را ستاد پیشگیری و مبارزه امروز تصمیم گرفت و ابلاغ شد آن تصمیم به عنوان یک امر لازم باید همه تلقی کنند و از لحاظ شرعی چون مصوب شورای عالی امنیت ملی است و رهبر تأیید کردند و گفتند باید همه اطاعت کنند بنابراین همه باید به عنوان یک امر لازم و ضروری مورد مراقبت قرار بدهند...».

اظهارات فوق و تشبیه کرونا به آنفولانزا و پیش بینی های صورت گرفته نشان از درک ناصحیح آقای روحانی از وضعیت موجود دارد. ضمن آنکه تعطیلی کشور بعنوان یکی از روش های کنترل بیماری های همه گیر ، در دنیا امری پذیرفته شده محسوب و توطئه ی دشمنان برای هراس افکنی نیست ؛ همچنین مصوبات شورای عالی امنیت ملی و ستاد ملی مقابله با کرونا در این ارتباط هیچ یک لازم الاتباع نبوده و دستور رهبر دایر بر اینکه همه باید از آن مصوبات اطاعت کنند نیز جنبه الزام آور به آن ها نمی دهد و تصمیمات و مصوبات هر نهادی ، اعتبار و قدرت اجرایی اش را از قانون کسب می کند .

2) آقای روحانی در تاریخ 1398/12/14 در جلسه هیأت دولت وعده می دهد که « دولت به عنوان نگهبان سلامت مردم و کسب و کار و تأمین معیشت مردم عمل خواهد کرد . و عنوان نموده که این بیماری یک بیماری فراگیر است و باید با تدبیر و همکاری یکدیگر از این معضل در اسرع وقت عبور کنیم.»

ضمن آنکه گذشت زمان به وضوح نشان داد دولت دوازدهم به چه میزان ، نگاهبان و حافظ سلامت و معیشت مردم ایران در شرایط کرونایی بوده است ، سخنان اخیر نوعی اعتراف به نادرستی اظهارات قبلی مبنی بر وعده کنترل زود هنگام این بیماری و دعوت مردم به آرامش و عدم نگرانی می باشد .

بی اعتنایی به نظرات نخبگان و بازی با جان مردم

رسانه ها در تاریخ 1398/12/29 خبر مکاتبه ی پنج وزیر بهداشت پیشین و هفده استاد برجسته پزشکی کشور با رئیس جمهور را بازتاب داده اند. نگارندگان در فرازهایی از این نامه آورده اند :

«... حدود یک ماه است که از بروز و شیوع بیماری کووید 19 در ایران می گذرد ، در این مدت روند بیماری و تبعات آن همچنان صعودی و رو به افزایش است و در هیچ منطقه ای روند کاهنده نداشته است ... در صورت عدم کنترل بیماری و چاره جوئی موثر ، افزایش تلفات و خسارات قطعی است ... توصیه ی اکید ما به عنوان پزشکان متخصص این حوزه این است که با فوریت از همین امروز به مدت 15 روز کلیه دستگاه های غیر اضطراری و کسب و کارهای غیر ضرور به طور کامل تعطیل شود و تنها مراکز تولیدی و فروشگاه ها و مراکز توزیع مواد غذایی و دارویی آن هم با رعایت کامل و سخت گیرانه استانداردهای بهداشتی به فعالیت روزانه خود ادامه دهند و با قاطعیت جلوی تردها و مسافرت های غیر ضروری شهری و بین شهری گرفته شود... عدم رعایت این توصیه ها بازی با جان مردم است اگر دیر تصمیم گرفته شود ، خسارات جبران ناپذیری به دنبال خواهد داشت و منجر به مرگ تعداد بیشتری از هم وطنان خواهد شد ...» .

-به رغم این مکاتبه ، اعتنایی به توصیه های نخبگان نشد و با وجود اینکه ایام تعطیلات نوروز سال 1399 بهترین زمان ممکن برای اعمال تعطیلی ها و محدودیت های پیشنهادی بود ، از این فرصت استفاده نگردید که نتیجه آن ازدیاد قابل ملاحظه ی جان باختگان و مبتلایان کرونا و شیوع فزون تر این بیماری در کشور بود.

3 آقای حسن روحانی در تاریخ 1399/1/29 در اظهاراتی بیان نموده : «... از روز شنبه و با پیوستن تهران به جمع استان های کشور که در آنها کسب و کارهای کم ریسک فعالیت خود را آغاز کرده اند ، عملاً طرح فاصله گذاری هوشمند اجتماعی ، کشوری می شود و تمامی ارکان ذیربط ... باید با برنامه های اطلاع رسانی و اقناعی ، همچنان بر ضرورت تداوم شعار در خانه می مانیم و رعایت عدم جابجائی های غیر ضروری در کشور و شهرها تأکید کنند تا بتوانیم هر چه سریعتر به مرحله قطع زنجیره شیوع کرونا نزدیکتر شویم...» و به وزیر بهداشت دستور می دهد با همکاری وزارت کشور تیمی را مشخص تا بررسی کند آیا در استان ها و شهرستان هایی که در مبارزه با بیماری کرونا به وضعیت با ثباتی رسیده اند ، امکان برگزاری برنامه ها و مراسم عبادی ماه مبارک رمضان هست یا خیر و اگر در این روند ، به نکات و یافته هایی رسیدند به ستاد ملی مبارزه با کرونا ارائه کنند .

مشخص نیست که با کدامین منطق ، کسب و کارهای کم ریسک اجازه فعالیت مجدد یافتند؟! هنگامی که بسیاری از مردم با فقر مواجه بوده و برای امرار معاش ناگزیر از کار هستند و دولت اقدامات موثری برای جبران زیان های ناشی از تعطیلی کسب و کارهای آنان به عمل نیاورده ، چگونه می توان از آنان انتظار داشت که به شعار در خانه می مانیم عمل و توجه کنند ؟

تلخ تر اینکه خبرگزاری ایرنا در تاریخ 1399/2/5 نیز خبری را منتشر ساخته مبنی بر اینکه رئیس جمهور با اشاره به فرا رسیدن ماه رمضان ، از وزیر بهداشت خواسته تا با تقویت بررسی های لازم در زمینه چگونگی و زمان بازگشائی اماکن مذهبی ، مساجد و بقاع متبرکه ، گزارشی جامع برای تصمیم گیری در این مورد به ستاد ملی مبارزه با کرونا ارائه نماید !

4 آقای روحانی در تاریخ 1399/3/22 و در جلسه روسای کمیته های تخصصی ستاد کرونا گفته : «... امروز در برخی از مناطق کشور وارد مرحله سوم مدیریت مقابله با کرونا شده ایم ... این مرحله ، سازگاری با کرونا با رعایت کامل دستورالعمل ها است . این مرحله در حالی شروع می شود که هم متخصصان داخلی و هم سازمان های بین المللی اعلام کرده اند فعلاً هیچ پایانی را نمی توان برای کرونا مشخص کرد و باید با استفاده از تجربه فاصله گذاری هوشمند

، وارد مرحله تأمین سلامت مردم با رعایت دستورالعمل های بهداشتی در روال فعالیت های لازم اقتصادی-اجتماعی بشویم... خوشبختانه ایران جزء اولین کشورهایی بود که توانست با تدوین دستورالعمل های بهداشتی، فشار بر زندگی و کسب و کار مردم را کاهش داده و مسیر منطقی و تدریجی بازگشت به فعالیت های ضروری با حفظ سلامتی را برای مردم تأمین کند...» .

هر چند بیان این موضوع از سوی رئیس دولت وقت مبنی بر اجتناب ناپذیری لزوم سازگاری مردم با کرونا به لحاظ مشخص نبودن زمان قطعی پایان آن، صحیح و واقع بینانه است لکن این ادعا که ایران در زمره اولین کشورهای بوده که توانسته با تدوین دستورالعمل های بهداشتی، از فشار بر زندگی مردم کاسته و شرایط بازگشت به فعالیت های ضروری با حفظ سلامت مردم را مهیا نماید، خلاف واقع است و بازگشایی اماکن کسب و کار در شرایطی صورت گرفت که در روز بیان این مطالب، 2238 بیمار جدید مبتلا به کووید 19 در ایران شناسایی و در 24 ساعت منتهی به ظهر روز 99/3/22 نیز 78 نفر از هم وطنانمان در اثر بیماری مزبور جان باخته بودند، لذا فاصله شعار و حرف تا عمل بسیار زیاد است .

5 در شرایطی که بنا به اعلام سخنگوی وزارت بهداشت، آمار مبتلایان شناسایی شده وپروس کرونا تا تاریخ 1399/5/4 عبارت از 2316 نفر بوده در تاریخ 1399/5/4 حسن روحانی در جلسه ستاد کرونا، با تأکید بر لزوم رعایت پروتکل های بهداشتی، اظهار می دارد: «... همه جا باید عزاداری امام حسین (ع) برگزار شود، چه در شهر و چه در روستا؛ چه در جایی که قرمز است و چه در جایی که سفید است...» .

مرجع دانستن امر مستحب عزاداری بر حفظ و نجات جان انسان ها که امری واجب و ضروری است، نشان از بی تدبیری آقای روحانی دارد. تردیدی نیست که این قبیل تصمیمات، به مثابه بازی با جان شهروندان کشور محسوب و آنانی که مراسم عزاداری محرم سال 1399 را تعطیل نمودند در برابر مرگ کسانی که با حضور در مراسم، جان خود را به دلیل ابتلا به بیماری مذکور از دست داده اند مسوولیت دارند .

6 آقای روحانی در تاریخ 1399/6/15 در جلسه ستاد کرونا ضمن تشکر از بزرگان و مراجع به ویژه رهبری بابت ارشادات آنان در جهت برگزاری شکوهمند عزاداری های محرم و اعلام اینکه از امروز آموزش و پرورش و دانشگاه ها آغاز به کار کردند، عنوان می کند: «.. ما از روز اول در ستاد ملی مقابله با کرونا اعلام کردیم که تمام فعالیت ها، بنگاه های تولیدی باید با رعایت پروتکل های بهداشتی فعالیت خود را ادامه دهد. اتفاقاً در هفته های بعد و در ماه های بعد در کارگاه ها و کارخانجات ما حتی کارخانجات بزرگ ما که 7 یا 10 هزار نفر کارگر در آنها فعال هستند به سلامت کار خود را انجام دادند... رسانه ای بیگانه می خواستند که همه چیز را تعطیل کنند و می گفتند که خطر دارد و دولت به فکر جان مردم نیست؛ خطاب ما به آنها نیست زیرا آنها خود را تعمداً به خواب زده اند اما به بعضی ها که تحت تأثیر قرار می گیرند باید گفته شود که نان و جان از هم جدا نیست...» .

رئیس دولت دوازدهم در شرایطی این سخنان را گفت که وزارت بهداشت در همان تاریخ از شناسایی تعداد 1894 بیمار جدید و جان باختن 110 بیمار دیگر خبر داده بود. تنها دلیل رئیس دولت برای ادامه فعالیت کسب و کارها در وضعیت همه گیری کرونا این بوده که نان مردم نیز در کنار جان آنها مهم است در حالی که رشد آمار مبتلایان و جان باختگان کرونا در موج دوم بیماری که شواهد متقن در اثبات آن وجود داشته، موید نادرستی نظر و تصمیم آقای روحانی می باشد .

بی توجهی به تذکر سازمان نظام پزشکی کشور

نامه مورخ 1399/6/15 رئیس کل سازمان نظام پزشکی کشور به وزیر آموزش و پرورش که طی آن، بازنگری در تصمیم به بازگشایی حضوری مدارس و لزوم اهتمام وزارت آموزش و پرورش به استفاده از آموزش از طریق مجازی و از راه دور در شرایط کرونا درخواست گردیده، نشان می دهد که جامعه پزشکی کشور بر خلاف رئیس دولت، به تهدید جان و سلامت مردم در صورت بازگشایی مراکز کسب و کار و تحصیل توجه ویژه داشته است.

7 در تاریخ 1399/6/29 در جلسه ستاد کرونا بیان می دارد: «... باید دوگانه انگاری ها نادرست در دوران کرونا مانند (سلامت و معیشت)، (سلامت یا دیانت)، (سلامت یا فعالیت اجتماعی)، (سلامت یا آموزش و مهارت) کنار

گذاشته شود و همه این دو گانه ها در کنار هم مدنظر قرار گیرد... در جلسه امروز آمار نگران کننده ای از سوی وزارت بهداشت ارائه شد که طبق آن گزارش، مراعات مردم در کشور در هفته های قبل از 82 در صد به 62 درصد کاهش یافته و این بسیار نگران کننده است...».

اگر آقای روحانی به قاعده «الاهم فالاهم» توجه می کرد، در می یافت که حفظ جان شهروندان قطعاً از کسب و کار و فعالیت های دینی و اجتماعی و آموزش آنان مهم تر و واجب تر است و هنگامی می توان دوگانه های موصوف را در کنار هم پذیرفت و مد نظر قرار داد که آن فعالیت ها، سلامت و حیات شهروندان را با مخاطره مواجه نکند در غیر این صورت به منزله جمع ضدین خواهد بود.

ایشان در حالی به نگران کننده بودن آمار مبتلایان به ویروس کرونا اشاره داشته و دلیل آن را کاهش رعایت پروتکل های بهداشتی از سوی مردم می دانند که با تصمیم خود و ستاد ملی مبارزه با کرونا، برگزاری مراسم عزاداری محرم و بازگشایی مراکز کسب و کار و مدارس و دانشگاه ها به صورت حضوری و لغو دورکاری کارکنان دولت و دستگاه های اجرایی و عمومی را تجویز نمود و همین اقدام موجب ازدیاد آمار روزانه مبتلایان جدید به حدود 3000 نفر و آمار روزانه جان باختگان به بیش از 150 نفر گردید و عملاً با این اهمال و سوء تدبیر کشور را وارد موج سوم بیماری کووید 19 نمود.

8 در تاریخ 1399/8/21، آقای حسن روحانی در جلسه هیأت دولت بیان داشته :

«... سیاست ما در سه سال اخیر هم بر مبنای مقاومت و ایستادگی و حضور مردم در صحنه، گسترش صادرات و تولید بوده است. البته مردم سختی دیدند، جای تردید نیست. در کنار آن در این هشت ماه اخیر کرونا هم اضافه شد و فشار را بیشتر کرد اما در عین حال دولت تسلیم هیچ فشاری نشد. علیرغم اینکه شرایط مالی و اقتصادی ما نسبت به گذشته متفاوت بود، به خاطر کرونا صد هزار میلیارد تومان یا پرداخت کردیم یا تسهیلات را در اختیار مردم گذاشتیم، هم برای کسب و کارهایی که صدمه دیده بودند و هم برای مستأجرینی که در مشکلات و سختی بودند و هم برای سه میلیون افرادی که در سخت ترین وضع معیشتی بودند، تسهیلاتی پرداخت کردیم و از آبان 98 تا امروز یک بسته حمایتی معیشتی ماهانه به مردم پرداخت کردیم، از خانواده یک نفره که 55 هزار تومان است تا خانواده ای 205 هزار تومان که الان هم پرداخت می کنیم...».

صرفنظر از اینکه مشخص نیست که دولت دوازدهم از اسفند 1398 تا 1399/8/21 به چند نفر از مردم ایران به لحاظ شیوع کرونا و مشکلات ناشی از آن از طریق شبکه بانکی، تسهیلات پرداخت نموده، اعطای تسهیلات بانکی به گروه قلیلی از مردم حتی اگر نرخ سود و مدت بازپرداخت آن، اندک و طولانی هم باشد، کمک بلاعوض محسوب نمی شود و تنگناهای ناشی از کرونا را کاهش نمی دهد. کارگزاران دولت دوازدهم توجهی به این واقعیت تلخ نداشته اند که براساس گزارشات رسمی منتشره از جمله گزارشی که در سال 1399 تحت عنوان «پایش فقر» از سوی وزارت تعاون منتشر شده، در سال 1398 تعداد افرادی که کمتر از میزان خط فقر درآمد داشته اند، حدود یک سوم جمعیت ایران را تشکیل می داده اند. آیا تسهیلات ناچیز و بسته های کم مقدار حمایتی - معیشتی تخصیص یافته به تعدادی از شهروندان کشور می توانسته جوابگوی هزینه های سرسام آور زندگی مردم و جبران کننده خسارات وارده به کسب و کارها به دلیل شیوع کرونا در شرایط وجود تورم 48% تا 83% در کشور باشد؟ اگر کمک های بلاعوض دولت های ممالک خارجی به اتباعشان و کمک های دولت جمهوری اسلامی به هم وطنانمان را مورد بررسی و مقایسه قرار دهیم، در می یابیم که چه اختلاف عمیق و فاحشی میان آنها وجود دارد و مقایسه آنان در واقع، قیاس مع الفارق محسوب می شود.

بخش پنجم - جهات و مبانی مسئولیت جزایی اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا

بررسی تصمیمات ستاد ملی مبارزه با کرونا، که بخشی از مصوبات آن در پایگاه اطلاع رسانی دولت منتشر گردیده و با توجه به اینکه با گذشت زمان واقعیت ها به میزان کافی آشکار شده است حکایت از این دارد که ستاد در برخورد با ویروس همه گیر کرونا بسیار سردرگم رفتار کرده و برغم برگزاری جلسات متعدد و کثرت مصوبات، با بی مبالاتی های فراوان و عدم پیروی از اصول مدیریت کنترل به شکل علمی و تجربه شده و با نگاهی هیات وار به مدیریت کرونا منجر به چرخش ویروس در بین آحاد جامعه، بروز خسارت های فراوان و مرگ های بسیار شده است.

فقدان برنامه ریزی جامع و فراگیر در ستاد برای قرنطینه شهرها بسیار روشن می باشد بطور مثال در جلسه ی مورخ 9 اسفند 1398 مقرر گردیده افراد مبتلا و مشکوک به کرونا شناسایی و در مبادی ورودی شهرهای مورد نظر قرنطینه شوند این درحالیست که در آن برهه ، محل های خاصی برای قرنطینه نمودن افراد وجود نداشته است. مضافاً اینکه ایجاد صف های عریض و طویل برای تب سنجی خود منبعی برای انتشار ویروس گردید.

همچنین ستاد در جلسه مورخ 1398/12/17 اعلام می دارد که کشور برای مواجهه با کرونا تا مرداد ماه سال 1399 در آمادگی کامل می باشد لکن تحولات آتی و نحوه مقابله با ویروس اثبات کرد که مسئولان امر با مفاهیم محاسباتی میزان حمله ی ویروس بیگانه هستند و مهارت لازم برای کنترل همه گیری و جلوگیری از گسترش هم وطنانمان را نداشته اند و این اعلام آمادگی بدون انجام تمهیدات و اقدامات لازم و کافی در راستای مبارزه با ویروس ، شعاری دروغین بیش نبوده و ستاد فاقد برنامه ای راهبردی برای کنترل بحران و دلخوش به مراقبت های سنتی و ناکارا بوده است تا این میزان که حتی تب سنج لیزری به تعداد کافی برای کل کشور نداشته ایم لکن ستاد بدون توجه و درک ماهیت اپیدمی کرونا به مانورهای تبلیغاتی نابخردانه مشغول و برگزاری طرح های بعضاً خطرناک را هم توصیه می کرد.

ایجاد کارگروه های متعدد و کمیته های متنوع که فاقد کارکرد موثر بوده یکی دیگر از سوءمدیریت های ستاد است . در چنین بحران هایی تنها یک دولت توانمند و روزآمد می تواند مدافع مصلحت عمومی و سلامت جامعه باشد حال آنکه ستاد تکلیف خود را صرفاً مکتوب کردن و ابلاغ محدودیت ها دانسته و به جای برخورد قاطع با موضوع اپیدمی به ممایشات روی آورده است. مصوبات ستاد در تاریخ های 24 و 26 اسفند 1398 نشان می دهد که اعضا به این باور رسیده اند که نمی توان مانع خروج شهروندان از استان ها و شهرهایشان شد پس بجای اعمال همه جانبه ی مقررات منع آمد و شد بویژه در شهر قم و جلوگیری از مسافرتها به تدابیر لازم برای سهولت خروج مردم از یازده استان اصلی مبدأ مسافرت ها مشغول بوده اند! بدیهی است که با این شدت از ضعف و ناتوانی ، نمی توان با ویروس مبارزه کرد و سرعت شیوع آن را کاهش داد و النهایه آن را ریشه کن نمود. حتی اگر تمهیدات کنترلی در این مصوبات تبیین هم شده بود ، از نقطه نظر عملی و اجرایی ، کنترل خیل جمعیت مسافران در حال خروج از استان ها و شهرهای آلوده امکان پذیر نبوده است.

ستاد در جلسه مورخ 1399/1/2 مصوب نموده که «بررسی سلامت مسافران توسط گروه های نظارتی به صورتی انجام شود که در خروجی ها معطلی ایجاد نشود.» این مصوبه آشکارا با شعار «در خانه می مانیم» ستاد و دیگر مصوباتی که تأکید بر اقناع مردم برای پرهیز از سفرهای نوروزی داشته اند ، در تعارض است.

در حالیکه ستاد مصوب نموده که برای بررسی طرح های نوین ارائه شده در مورد پیشگیری و درمان بیماری کرونا ، وزارت بهداشت، ستادی ایجاد نماید، کمترین توجه به نظرات متخصصین دلسوز کشور را از خود نشان داده و در عوض با تشکیل کارگروهی تحت عنوان برخورد با شایعات برای سرکوب منتقدین عملکرد غلط و نامدبرانه اش ارائه طریق نیز نموده است.

ستاد در یکی دیگر از مصوبات این جلسه تقویت ارتباط موثر با کشورهای دیگر و سازمان های بین المللی برای دریافت کمک های انسان دوستانه را تصویب نموده ولی واقعیت این است که دولت جمهوری اسلامی اکیپ اعزامی از سوی سازمان پزشکیان بدون مرز را که به ایران گسیل و اعزام شده بودند تا خدمات رایگان و انسان دوستانه به مردم ارائه کنند را از کشور اخراج نمود لذا این مصوبه هم شعاری به نظر می رسد ضمن آنکه موضوع تأمل برانگیز در ارتباط با آن ، این است که چرا نظام اسلامی با وصف برخورداری کشور از منابع و ثروت های فراوان ، نیازمند دریافت کمک های بشر دوستانه سایر کشورها و سازمان های بین المللی است!؟

ستاد در جلسه مورخ 1399/1/31 تصویب می کند که «وزارت راه و شهرسازی پروتکل بهداشتی راجع به مسافرینی که قصد سفر به مقصد ایران دارند را به همه شرکت های مسافربری هوایی ، زمینی و دریایی ابلاغ کند . این درحالیست که ساده انگاری موضوع کرونا موجب تأخیر در اتخاذ تصمیم در مورد سفر مسافرین از کشورهای دیگر به ایران شد . این مصوبه باید از مدت ها قبل صادر و اجرا می شد تا اتباع خارجی و ایرانیان مقیم خارج پیش از ورود به کشور ، از حیث ابتلا یا عدم ابتلا به ویروس و بیماری ، مورد کنترل قرار گرفته و مقررات قرنطینه اجباری در قبال آنها اجرا می شد . هنگامی که دنیا از این حقیقت آگاهی یافت که ویروس کرونا ابتدا در وهان چین مشاهده و شناسایی شده ، بسیاری از کشورها ، پروازهای از مبدأ چین به کشورهایشان را ممنوع نمودند تا از این طریق ، مانع ورود مبتلایان و ناقلین شوند اما پروازهای شرکت های هواپیمایی فعال در ایران به ویژه هواپیمایی ماهان از چین به ایران تا مدتها پس از شیوع گسترده ویروس ، همچنان ادامه یافت که در خلال مدت مذکور اساساً قرنطینه و کنترل مسافران ورودی به کشور انجام نمی شد . بنابراین ویروس به سهولت از طریق مسافران مذکور وارد ایران شده و انتشار یافت .

ستاد در مصوبه ای دیگر، سازمان برنامه و بودجه کشور را موظف می نماید تا برای حداکثر تعداد چهار میلیون خانوار کم در آمد، معادل 2 میلیون تومان تسهیلات پرداخت کند و معلوم نیست که این کمک ناچیز قرار است کدام مشکل از مشکلات بی شمار خانواده های کم درآمد و بی بضاعت کشور را حل کند که موجب مانورهای تبلیغاتی فراوانی برای مسوولین نیز شد.

ستاد در جلسه مورخ 1399/3/3 آیین نامه اختصاصی تعیین مصادیق و امتیازات شهید خدمت برای پزشکان و پرستاران و بهیاران عزیزی که در مقابله مستقیم با بیماری، جان خود را از دست داده اند را تصویب می کند. طرح این پرسش از کارگزاران نظام ضروری است تا توضیح دهند که برای جلوگیری از جان باختن کادر بهداشت و درمان چه کرده اند؟

در جلسه مورخ 1399/4/8 برگزاری انتخابات مرحله دوم یازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی در تاریخ 21 شهریور 1399 با رعایت پروتکل ابلاغی وزارت بهداشت را مجاز اعلام می کند. اینکه 73 روز قبل از برگزاری مرحله دوم انتخابات، اعلام شده که برگزاری در این تاریخ مجاز است نشان از سطحی بودن تصمیمات و پیش بینی های ستاد دارد و تردیدی نیست که ستاد منطقاً و حسب تغییرات لحظه ای آمار مبتلایان و درگذشتگان کرونا و استان ها و شهرستان های آلوده، نمی توانسته برآورد روشن و دقیقی از وضعیت آینده کشور داشته باشد.

ستاد در موارد متعددی امور عبادی و سیاسی نظیر مراسم روز قدس - نماز جمعه - بازگشائی اماکن مقدس و حرم ها - مراسم شب های احیا، عزاداری محرم و اربعین را بر حفظ جان شهروندان ترجیح و بخش زیادی از وقت خود را صرف اینگونه امور مستحب نموده است که حکایت از سطحی و شعاری بودن تصمیمات ستاد و عدم توجه به تأثیر و امکان یا عدم امکان اجرای آن تصمیمات می باشد.

از دیگر خطاهای راهبردی و غیر قابل اغماض ستاد ملی این بوده که از اهمیت و اولویت بعد بهداشتی و درمانی و انسانی کرونا نسبت به سایر ابعاد آن غفلت ورزیده و در شرایطی که باید عمده تمرکز خود را به امور بهداشتی و درمانی کرونا معطوف می نموده، ابعاد امنیتی و اجتماعی آن را مورد توجه و در اولویت قرار داده است.

بخش ششم - بی مبالائی مسئولان نظام در ارتباط با تأمین و واردات واکسن های کرونا

1- همانگونه که اشاره شد، سخنرانی 1399/10/19 آقای خامنه ای و صدور دستور از ناحیه ی وی که ورود واکسن های آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است، نقش مهم و بی بدیلی در توقف و تأخیر در روند تأمین و واردات واکسن های مفید و موثر کرونا به کشور ایفاء نمود و همین عامل و تبعیت محوری محض سایر مقامات، موجب افزایش شمار مبتلایان و جان باختگان در شرایط اوج گیری و همه گیری و پیروس گردید. تردیدی نیست که با لحاظ تأیید واکسن های آمریکایی و بریتانیایی از سوی سازمان بهداشت جهانی و صدور مجوز تزریق اضطراری تعدادی از آن ها، اگر واکسن از مجرای COVAX یا غیر آن تهیه، وارد و در اختیار هم وطنانمان قرار داده می شد، از ابتلاء و جان باختن دهها هزار نفر از مردم ایران جلوگیری می گردید.

دفتر حفظ و نشر آثار آیت اله خامنه ای در تاریخ 1400/6/7 یعنی افزون از هشت ماه و نیم پس از سخنرانی 1399/10/19، با انتشار مطلبی تحت عنوان «چه اتفاقاتی در واردات واکسن کرونا افتاده است؟» در پایگاه اطلاع رسانی مربوطه در صدد توجیه تصمیم و دستور آقای خامنه ای دایر بر ممنوعیت واردات واکسن های مورد اشاره بر آمده است. در این مطلب عنوان شده: «... انتشار جزئیات توافق صورت گرفته بین مسئولان رژیم صهیونیستی و یک شرکت آمریکایی تولید واکسن در زمستان سال گذشته بسیاری را شگفت زده کرد. این قرارداد در حالی امضاء شده بود که سازمان غذا و داروی آمریکا به عنوان یگانه نهاد تأیید کننده موضوعات دارویی در این کشور هنوز تأییدیه ای برای این محصول صادر نکرده بود. مسئولان رژیم اشغالگر قدس تا انتهای مسیر را پیش رفته بودند. انتخابات پیش بود و هر یک از دو حزب اصلی صهیونیست تلاش داشتند تا از واکسیناسیون عمومی به عنوان یک برگ برنده انتخاباتی بهره ببرند. رژیم صهیونیستی متعهد شده بود در ازای دریافت فوری واکسن از این شرکت آمریکایی، نتایج حاصل شده را سریع و در مقیاس گسترده در اختیار شرکت آمریکایی بگذارند. بافت جمعیتی ساکن در سرزمین های اشغالی شامل افرادی از چهار گوشه دنیا و نژاد ها و ملیت های گوناگون بود که آن را تبدیل به یک آزمایشگاه بزرگ انسانی برای این شرکت آمریکایی می کرد. این مسأله را خود مقامات صهیونیست هم اذعان کرده بودند... این ابهامات در کنار بعضی سوابق این شرکت و اتهامی که یک دهه قبل مبنی بر تبلیغات گمراه کننده به آن وارد شده بود در کنار

تجربیات تلخ تاریخی و ضد بشری که توسط کشورهای سلطه گر رقم خورده بود برای جمهوری اسلامی ایران کافی بود تا بدبینی اش به واکسن آمریکایی تقویت شود...».

در رد این تحلیل و توجیهات ، نکات ذیل را حائز اهمیت می دانیم :

نخست- هنگامی که سازمان بهداشت جهانی در تاریخ یکم ژانویه سال 2021 میلادی (یک هفته پیش از سخنرانی رهبر ایران) ، امکان استفاده اضطراری کشورها از واکسن فایزر بیونتک را رسماً اعلام و به کشورها توصیه نمود روند اعطای مجوز و دریافت واکسن برای استفاده اضطراری را تسریع کنند ، به این معناست که واکسن مذکور فازهای کارآزمایی بالینی را با موفقیت طی کرده ، در غیر این صورت مجوز استفاده از آن ولو به صورت اضطراری صادر نمی شد .

دوم- صرفنظر از اینکه پایگاه اطلاع رسانی دفتر رهبر نظام ، اطلاعات و جزئیات ولو اندک هم از قرارداد ادعایی منعقد فیما بین دولت اسرائیل و شرکت آمریکایی منتشر ننموده تا امکان بررسی آن وجود داشته باشد ، پرسش مهم این است که به چه علت دفتر رهبر نگران آزمایش واکسن آمریکایی بر روی مردم اسرائیل بوده است ؟ آیا واکسن ها بدون پشت سر گذاردن مراحل آزمایش مد نظر سازمان بهداشت جهانی ، قابلیت استفاده خواهند داشت ؟

سوم- اینکه مسوولان نظام جمهوری اسلامی تمایل و اصرار داشته باشند که واکسن های مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی را بدون اینکه آن واکسن ها بر روی تعدادی از مردم ایران آزمایش شده باشد ، خریداری و دریافت نمایند ، امکان پذیر است اما نباید انتظار داشت واکسن های موصوف به سرعت و جلوتر از کشورهای مشارکت کننده در فرآیند آزمایشات انسانی آن واکسن ها ، در اختیارمان قرار گیرد .

چهارم- وجود وضعیت اختلاف عمیق بین جمهوری اسلامی و دولت ایالات متحده و بالعکس و فقدان روابط سیاسی میان آنها ، موجب اتخاذ رویکرد فوق از سوی رهبر نظام شده حال آنکه حفظ و نجات جان شهروندان ایران با تأمین به موقع واکسن و انجام واکسیناسیون عمومی باید بر هرگونه منازعه سیاسی اولی و مرجح دانسته می شد .

آقای خامنه ای می بایست به این موضوع توجه می نمود ، هنگامی که واردات نوع خاصی از واکسن ها شامل واکسن های آمریکایی و بریتانیایی (که از قضا در هفته های پایانی سال 2020 میلادی و ابتدای سال 2021 استفاده از آنها به تأیید سازمان بهداشت جهانی رسید) را در اوج زمان همه گیری ویروس کرونا ، ممنوع می کند ، فرصت واکسیناسیون را از مردم سلب و در واقع ، احتمال ابتلاء و جان باختن شهروندان کشور را تا حد قابل اعتنائی افزایش می دهد . بنابراین سخنرانی مورخ 1400/5/20 ایشان که طی آن ، کرونا را مسأله نخست و فوری کشور دانسته و اعلام می کند که واکسن چه از طریق واردات و چه با تولید داخلی باید با تلاش مضاعف و به هر شکل ممکن تأمین و در اختیار تمام مردم قرار بگیرد ، رافع مسئولیت جزائی مشارالیه در زمینه تسبیب در قتل غیر عمد شهروندان کشته شده بر اثر کرونا نیست .

2- تشخیص و احراز میزان نقش و تأثیر آقای حسن روحانی در بروز فاجعه کرونا در اثر عدم تأمین و واردات به موقع واکسن های موثر در پیشگیری از ابتلاء و نیز درمان بیماری کووید 19 مستلزم بازخوانی گفته های وی در جلسات هیأت دولت و ستاد ملی مبارزه با کرونا می باشد که بدین منظور اظهارات ایشان در ماههای دی ، بهمن و اسفند سال 1399 و فروردین سال 1400 را به عنوان ماههای سرنوشت ساز پس از تأیید استفاده از تعدادی از واکسن های ساخته شده توسط سازمان بهداشت جهانی را ذیلاً مورد توجه و بررسی قرار می دهیم .

نخست- بنا به خبر دارای شناسه 118792-1399/10/3 منتشره در پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ، حسن روحانی در جلسه هیأت دولت بیان داشته : «هیچ نگرانی از بابت تولید واکسن داخلی و تهیه واکسن مورد اطمینان خارجی نداریم و پا به پای دنیا و حتی بهتر از برخی کشورها در مقابله با این ویروس پیش رفته ایم . مردم نگرانی از بابت واکسن کرونا نداشته باشند ، بانک مرکزی و وزارت بهداشت و درمان همه تلاش خود را به کار گرفته و برنامه ریزی های لازم را انجام داده اند تا واکسن مورد اطمینان خارجی در اختیار مردم قرار گیرد و در داخل هم برای تولید واکسن اقدامات در حال انجام است...» .

رییس دولت دوازدهم از مردم خواسته نگران تأمین واکسن نباشند اما برنامه ای روشن برای تأمین واکسن اعم از خارجی و داخلی ارائه نداده است لکن در عین حال ، رجز می خواند که پا به پای دنیا و حتی بهتر از برخی کشورها در مبارزه با ویروس پیش رفته اند !

دوم- طبق خبر دارای شناسه 118829-1399/10/6 پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ، حسن روحانی در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا عنوان نموده : «...از همان روزها و ماه های اولیه یکی از مسائل مورد نظر ما واکسن بود. اینکه شرکت های دانش بنیان از همان روزهای اول شروع کردند و تلاش می کنند بر مبنای همین تأکید بود که خودمان باید به دنبال ساخت واکسن برویم و در عین حال همزمان به دنبال خرید برویم... هیچ کجا نمی شود به شما (آمریکا) اعتماد کرد ، هر جا پول ما را پیدا کردید دزدیدید شما که در دزدی معروفید ما چه جور به دزد اعتماد کنیم... هر کجا غیر کوکس جای دیگری هم اگر واکسن مورد اعتماد باشد و وزارت بهداشت و درمان به ما بگوید این واکسن مورد اعتماد است ، حتماً خریداری می کنیم پولش را تهیه و منتقل می کنیم به هر شرایطی که باشد اما حاضر نیستیم که مردم کشور ما دوره آزمایشی یک واکسن غیر معتبر را بگذرانند... تحریم مشکل است نه برای واکسن برای هر دارو ، نه برای هر دارو برای هر چه که می خواهیم وارد کنیم ولی از این مشکل عبور می کنیم...» .

اولاً- عبارات پیش گفته حاکی از این است که اولویت و تأکید نخست دولت ، تلاش برای تولید واکسن داخلی بوده حال آنکه مواد اولیه تولید واکسن و خط تولید آن از همان ابتدا در اختیار جمهوری اسلامی نبوده و اصرار دولت به تولید داخلی واکسن با لحاظ کمبودهای موصوف ، معقول و موجه نبوده است . ثانیاً- تأکید روحانی به انتقال وجوه مورد نیاز برای خرید واکسن خارجی تحت هر شرایطی ، نشان دهنده این واقعیت است که امکان انتقال پول خرید واکسن به خارج از کشور با وصف دشواری ، وجود داشته است . ثالثاً- حسن روحانی اشاره ای به نام آن واکسنی که آن را غیرمعتبر می انگارد ، نکرده است اما عدم مشارکت در آزمایشات انسانی واکسن های خارجی ، طبعاً کشور را در انتهای صف دریافت آن واکسن ها قرار می دهد .

سوم- بنا به خبر دارای شناسه 119046-1399/10/20 پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ، حسن روحانی در جلسه ستاد ملی اظهار نموده : «... امروز یکی از مطالبات مردم این است که سریع تر واکسن را در اختیار مردم قرار دهیم ، واکسنی که مورد اطمینان است... این جنایتی که آمریکای علیه ملت ایران انجام داد یکی از موارد و مثال های بسیار روشنش تهیه واکسن کرونا بود . اینقدر مشکلات ایجاد کردند برای اینکه پولی که داریم را به حساب یک شرکت دیگر جابجا کنیم برای اینکه واکسن کوکس را در زمانی که نوبت ما می شود ، در آن سهم باشیم و این واکسن ها را وارد کشور کنیم ... واکسن هایی در اختیار ما بود که بتوانیم زودتر در کشور بیوریم منتها واکسنی بود که می خواستند روی ما آزمایش کنند ، یک شرکت هایی بودند که به ما پیشنهاد دادند و وزارت بهداشت و درمان به حق نپذیرفت... بعضی از کشورها قبول کردند که ما کاری به آنها نداریم بنابراین مردم مطمئن باشند که آنها وسیله آزمایش برای شرکت های سازنده واکسن قرار نخواهند گرفت...» .

سخنان رییس دولت یک روز پس از سخنرانی مورخ 1399/10/19 رهبر نظام ایراد شده و حسن روحانی بدون آنکه مخالفی با سخنان ایشان ابراز و ممنوع ساختن واردات واکسن های آمریکایی و بریتانیایی مورد تأیید سازمان بهداشت جهانی را اقدامی اشتباه و موجب ابتلاء و جان باختن بیشتر هم وطنانمان قلمداد نماید ، با نقض سوگند ریاست جمهوری ، همان مطالب ابرازی از سوی آیت اله خامنه ای مبنی بر قصد سازندگان واکسن به آزمایش آن بر روی مردم ایران را تکرار نمود. رئیس دولت دوازدهم همچون شخص اول مملکت ، گویا به این موضوع ساده وقوف نیافته بود که عدم مشارکت و تعامل ایران با کشورهای سازنده واکسن در مراحل کارآزمایی بالینی واکسن ها ، مانع از آن خواهد بود که واکسن های موصوف به سرعت و سهولت در اختیار کشورمان قرار گیرد . به راستی ، نباید تفاوتی میان کشورهای شرکت کننده در مراحل آزمایش انسانی واکسن کرونا و کشورهای غایب در این مراحل باشد ؟

چهارم- طبق خبر دارای شناسه 119314-1399/11/11 همان پایگاه اطلاع رسانی ، روحانی در جلسه ستاد ملی بیان داشته : «... همین الان هم می خواهیم واکسن تهیه کنیم با چه سختی ها و مشکلات و عبور از پیچ های مختلف است... اگر دنیا می گوید توانستم از مشکلات کرونا تا حد زیادی عبور کنم ، ما ادعایمان بالاتر است ما در حال تحریم و فشار هستیم... جنایت حکومت قبلی آمریکا در حدی بود که جلوی درمان ، واکسن ، تجهیزات ، گرفتن وام را گرفت و همه جا سد و مانع درست کردند...» .

ادعای رییس دولت دوازدهم این است که دولت آمریکا جلوی ارسال واکسن به ایران را گرفته اما اظهارات عنوان شده در صدر همین خبر و اظهارات پیشین آقای روحانی حاکی از این است که دولت وی برای جابجایی پول خرید واکسن ، با مشکلاتی مواجه بوده اما واردات واکسن تحریم نبوده است .

پنجم- بنا به خبر دارای شناسه 119567-1399/11/22 همان پایگاه ، رییس دولت دوازدهم در جشن چهل و سومین سالگرد پیروزی انقلاب عنوان داشته : «... مردم در شرایط کرونا و تحریم روی پای خودشان ایستادند... هیچ گاه مردم برای مواد غذایی صف نبستند و برای مواد بهداشتی دچار مشکل نشدند ، هیچ بیماری برای تخت بیمارستانی در چمن

بیرون بیمارستان و در خیابان و در داخل آمبولانس معطل نماند... به حمد الله از خطر بزرگ کرونا عبور کردیم گر چه هنوز راه درازی در پیش داریم ، در موج اول و دوم و سوم به بهترین شکل توانستیم از این موج ها عبور کنیم . واکسیناسیون دیروز در کشور آغاز شد و خوشحالم که یکی از مسئولین بزرگ در بهداشت و درمان فرزند خود را برای واکسیناسیون در اختیار گذاشت تا به مردم اعتماد دهد... اگر چیزی در این کشور وارد می شود ، اگر مذاکره ای صورت می گیرد ، اگر پیمانی بسته می شود همه و همه در چارچوب مصالح ملی است...» .

اولاً- احراز اینکه مردم ایران در ایام کرونا بابت تهیه مواد غذایی و بهداشتی و یافتن تخت در بیمارستان ها دچار مشکل شده اند یا خیر ، مستلزم وجود آمار و مستندات شفاف رسانه های مستقل در کشور است اما حقیقتی که در ماههای نخستین شیوع کرونا در ایران به وضوح آشکار و مکشوف گردید این بود که بسیاری از بیماران مبتلا که نیازمند برخورداری از دستگاه اکسیژن ساز (ونتیلاتور) و تخت در بخش مراقبت های ویژه بیمارستان های دولتی بودند ، این امکانات را در اختیار نداشته اند و به دلیل فقدان آنها جان خود را از دست داده و یا دچار آسیب جسمی شدید شده اند . در ماههای نخست شیوع کرونا ، کادر درمان و مردم عادی به تمام اقلام بهداشتی و حفاظتی نظیر ماسک ، الکل ، لباس حفاظتی دسترسی نداشتند که این عدم دسترسی در تعدادی از مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا به وضوح منعکس و بازتاب یافته است . ثانیاً- حسن روحانی مدعی است دولت وی به بهترین شکل ممکن توانسته از موج های اول و دوم و سوم عبور کند ! تعداد مبتلایان و جان باختگان کشور تا تاریخ 1399/11/22 به وضوح نشان می دهد دولت در موج های سه گانه مورد اشاره به چه نحو عمل کرده است . ثالثاً- اقدام آقای سعید نمکی وزیر بهداشت دولت دوازدهم مبنی بر در اختیار گذاردن فرزندشان برای دریافت واکسن ، افتخاری در بر نداشته ، مهم این بود که بجای فرزند وزیر بهداشت ، ابتدا رهبر ، رییس جمهور و تمامی اعضای ستاد ملی مبارزه با کرونا از جمله سعید نمکی برای دریافت واکسن داوطلب می شدند .

ششم- طبق خبر با شناسه 120132-1399/12/23 همان پایگاه اطلاع رسانی ، حسن روحانی در جلسه ستاد ملی مبارزه با کرونا بیان داشته : «... کارهایی که در این مدت شده ، بعضی هایش صد در صد موفق بوده ، بعضی بسیار موفق بوده... و می تواند به یک مدل تبدیل شود برای مقابله با بیماری های واگیردار و اساساً کتاب درسی شود... دیروز گزارشی دیدم که در ستاد ملی 481 مصوبه داشتیم و 99 درصد مصوبات دقیق اجراء شده و یک درصد هم در حال اجراءست...» .

پرسش جدی این است که اگر 99% مصوبات ستاد ملی مبارزه با کرونا اجراء شده و 1% باقیمانده هم در حال اجراء است ، به چه علت آمار مبتلایان و جان باختگان ویروس کرونا تا هفته پایانی سال 1399 همواره در حال رشد و تصاعد بوده است ؟ یا مصوبات ستاد ملی مذکور کارایی و اثر بخشی لازم و کافی را نداشته یا آمار ارائه شده به رئیس دولت دوازدهم مبالغه آمیز و غیر واقعی بوده است . با توجه به اطلاق جمله : «...کارهایی که در این مدت شده...» شامل اقدامات راجع به خرید و واردات واکسن هم می شود و باید این پرسش را مطرح نمود که آیا مصوبات ستاد ، ناظر به خرید و واردات واکسن به مرحله اجراء در آمده است ؟

هفتم- طبق خبر دارای شناسه 120314-1400/1/4 پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری ، حسن روحانی در جلسه کمیته های تخصصی ستاد ملی عنوان نموده : «... اینکه توانسته ایم به رغم همه مشکلات در تولید واکسن کرونا موفق عمل کرده و به مراحل نهایی نزدیکتر شویم ، افتخار آمیز است و این موفقیت ها در حالی به دست آمده است که بسیاری از کشورهای توسعه یافته و پیشرفته در علم پزشکی هنوز به واکسن مطمئن دست نیافته اند...» .

رییس دولت بر پایه کدامین اطلاعات ، داده ها و شواهد قطعی و متقن اعلام نموده که در تولید واکسن داخلی به مراحل نهایی نزدیک تر شده ایم !؟

هشتم- بنا به خبر دارای شناسه 3751652-1400/1/11 روزنامه دنیای اقتصاد به نقل از خبرگزاری خبر آنلاین ، حسن روحانی در جلسه هیأت دولت عنوان می کند : «... شنبه این هفته مصوبه ستاد ملی کرونا بود که در چهارچوب واکسن هایی که وزارت بهداشت و درمان مشخص و معین کرده ، بخش خصوصی با ارز نیمایی می تواند واکسن را وارد کند ، بیاورد و در بیمارستان های خصوصی ، دولتی و هر جا که وزارت بهداشت و درمان مناسب می دانند تزریقات انجام بگیرد... در مقطع اخیر کار بزرگ ما واکسن است. تلاش بسیار زیادی شد و میلیون ها دز واکسن خریداری شد که باید وارد کشور شود که البته بخشی از آن وارد شده و بخش دیگر باید وارد شود... در داخل هم بخش های مختلف برای ساخت واکسن تلاش می کنند که امیدوارم تا پایان بهار بتوانیم از واکسن داخلی هم استفاده کنیم... چرا یک ایرانی برای زدن واکسن برود در کشور دیگر پول بلیط هواپیما و هتل بدهد و یک ماه بماند تا واکسن را تزریق کنند؟...» .

ملاحظات و تأملات : نخست- اذن به بخش خصوصی برای وارد کردن واکسن با ارز نیمایی ، به مثابه اذعان و اقرار دولت به ناتوانی یا فقدان توانایی لازم برای واردات واکسن به کشور است. دوم- مقدار ارز نیمایی که دولت می توانسته در اختیار بخش خصوصی برای واردات واکسن قرار بدهد و مکانیسم انجام این فرآیند و نحوه حصول اطمینان دولت و وزارت بهداشت از صحت ادعای شرکت ها و اشخاص فعال در بخش خصوصی مبنی بر توانایی واردات ، مشخص نبوده است . سوم- اتفاقاً پرسش مردم ایران از مسئولان نظام جمهوری اسلامی این است که چرا تا این حد در خرید و واردات به موقع واکسن و انجام واکسیناسیون عمومی کوتاهی و تعلل روا داشته اند که تعدادی از هم وطنان به امید دریافت واکسن ، راهی کشورهای دیگر شده اند؟!

3- اخبار و وقایع مرتبط با کرونا و واکسن به حدی زیاد است که امکان دسترسی یافتن به تمامی آنها و بررسی و تحلیل آنها برایمان امکان پذیر نیست لکن نمی توان از کنار تعدادی از اخبار این بخش بی تفاوت عبور کرد . از جمله این اخبار ، خبر منتشره در روزنامه دنیای اقتصاد با شناسه خبر 3789166-1400/5/20 به نقل از وب سایت خبری جماران می باشد . دکتر علیرضا زالی فرمانده ستاد عملیات بیماری کرونا در تهران در جمع خبرنگاران و اصحاب رسانه ، اظهاراتی بدین قرار داشته : «... وقتی اولین مورد کرونا در قم مشاهده شد ، خواهان قرنطینه قم شدم و گفتم انتخابات شهر قم تعطیل شود ، اما بعضی ها مرا مسخره کردند و گفتند این بیماری را به راحتی کنترل می کنیم . وقتی کارشناسان سازمان بهداشت جهانی به ایران آمدند ما به جای مشورت با آنها ، مدام از آنها می خواستیم در رسانه ها از نظام سلامت ایران تعریف کنند . ما آمارهای مرگ و میر را از سازمان جهانی بهداشت پنهان کردیم . کمک های جهانی و پزشکان بدون مرز را از فرودگاه برگرداندیم در حالی که اطلاعات چندانی درباره ویروس نداشتیم و از مشاوره های بین المللی استفاده نکردیم... هزینه داروهای کرونا چند برابر واردات واکسن شده است اما اجازه خرید واکسن ندادند چون فکر می کردند گران است ... ما نباید غصه قیمت واکسن را بخوریم حتی باید دو برابر قیمت بخیریم و مردم را واکسینه کنیم . ما 720 میلیون یورو خرج رمدسیویر کردیم و این پول را باید خرج واکسن می کردیم. چطور در تحریم حاضریم تجهیزات نفتی را سه برابر قیمت بخیریم ولی در مورد واکسن این کار را نمی کنیم؟! ... افراد حاضر در ستاد کرونا در محیط نیستند و نمی توانند تصمیم درست بگیرند... سفیران ما در کشورهای خارجی به دنبال تأمین واکسن نبودند ، با سفیر ژاپن صحبت کردم گفت اصلاً سفیر ایران دنبال واکسن نیامده ، این چه دیپلماسی است؟!...». این سخنان را کسی بر زبان جاری ساخته که از روز نخست شناسایی ویروس کرونا در ایران تا پایان کار دولت دوازدهم ، به تمامی مسائل مرتبط با ویروس و بیماری ناشی از آن و حقایق ماجرا آشنایی و آگاهی دقیق داشته و می توان از وی به عنوان یکی از مراجع اطلاعاتی این حوزه یاد نمود که از قول وی اطمینان حاصل می شود .

در مورد سخنان و موضع گیری های پرسش برانگیز و متناقض آقای دکتر سعید نمکی وزیر بهداشت دولت دوازدهم در دوران مسئولیت ایشان، سخن بسیار است لکن از پرداختن به آنها اجتناب می شود و صرفاً به نامه ایشان به رهبری که در روزنامه دنیای اقتصاد مورخ 1400/5/10 به نقل از باشگاه خبرنگاران جوان اشاره می کنیم که حاوی حقایق تلخ از دوران مدیریت نامبرده می باشد لذا از مقام محترم قضائی تقاضای تحقیق جامع پیرامون نقش و مداخلت ایشان در ابتلا و جان باختن ده ها هزار تن از هم وطنان به دلیل همه گیری ویروس کرونا را نیز داریم .

با عنایت به مراتب فوق و ضمن درخواست جلب نظر کارشناسی از مراجع مستقل نظیر انجمن اپیدمیولوژی ایران ، کانون های وکلای دادگستری ایران و سازمان نظام پزشکی کشور جهت تبیین بیشتر ابعاد عملکرد مجرمانه ی مسوولان نظام و با توجه به کتمان بیماری کووید 19 به مدت بیش از یک ماه ، عدم کارگیری روش علمی صحیح جهت جلوگیری از شیوع بیشتر این بیماری، سهل انگاری، ترک فعل، عدم رعایت نظامات و مقررات دولتی، فریب و تشویش اذهان عمومی که موجب مرگ بیش از یکصد هزار هموطن بی گناه و هزاران میلیارد تومان خسارت به کشور گردیده است و نظر به انطباق رفتارهای موصوف با مواد 145، 576، 616 و 698 از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1375 و مواد 295، 506 ، 514 (تبصره 2) ، 526، 529 و 535 از قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1392 تقاضای رسیدگی با استقلال نظر و صدور کیفرخواست جهت درخواست اشد مجازات نامبردگان به زندان و انفصال از خدمت را خواهانیم.

با سپاس – سید محمدرضا فقیهی – آرش کیخسروی

